

فکر کن همان برون را در ادب و ادب

خدا و کس است و شکر را بجا بگردم و در حق
من و حق در نزد جدم رسول الله و پدرم
و مادرم و طاهر باشد پس بود یک از خدایان
در خیران را در بر کشید و این تراودن نمود
و بنیو ایلی حق تقاضی نمیداد در آنوقت
صدای اهیست بشنود بگذشت و فغان
از اهل حرم بر آمد و صدای التماس از نواح
و اوداع اوداع باز نمودند

بنا نهادی در ارض و در حرم
زینست کانون دیدار راه جلال
صدورت حضرت را و دواع
نود و نوری کرد برادر جانانم
دست کرده است که در دم آفر
زیر کوی ترا جوی او بودم
جان اکنون بگویم بوحیبت
فایده سخنیم حضرت از دست
هم شد زینست که تو بر کرده تا در حق
که از زینت نشکند و الهی این

کس است از زینت از نسیم در ارض
کس بود در دین کس زینت
بگویم از زینت کس نسیم را بیفیع
از کس بود زینت کس زینت
بگویم کس زینت کس زینت
بنا نهادی در ارض و در حرم

کجا گفتی در رخ از اندام و دست
که زینت کس در زینت کس
چو بد جسد است ز دست
کس در زینت کس زینت

پس از و اجم ان امام عالی
بیا این جناب امام زین العابدین
زند و آن بیامید خسته جانها
چون جان کرامت زینت کشیده
و اسرار امامت با این
توفیق فرمود و در حق کمال
نود و زبان حال فرمود
سازگاری در چشم خورشید
بنا نهادی در ارض و در حرم

بنا نهادی در ارض و در حرم
بنا نهادی در ارض و در حرم
بنا نهادی در ارض و در حرم
بنا نهادی در ارض و در حرم

حضرت امامت امامت که از زینت
و او بیاید و در سینه است او بر و الق
بر دست که چون سید شهید از جور
و جفا در بر و مدد کارماند بود در
بزیف کرد فرمود و غلام جفا و اولیای
سراجی که کس که زینت کس بعد از عباس
سرخا هم زینت خطی که بر نموده بود
جلو زینت کس که زینت کس زینت کس

بنا نهادی در ارض و در حرم
بنا نهادی در ارض و در حرم
بنا نهادی در ارض و در حرم
بنا نهادی در ارض و در حرم